

مناطق برای موفقیت جهانی بریتانیا ضروری است. در عین حال، تحقق کامل چشم‌انداز بریتانیای جهانی در گرو فعالیت در همه مناطق و تأثیرگذاری بر نهادهای قانون‌گذار نظم بین‌المللی و مسائل کلیدی جهانی است.»

از زمان نگارش آن سند، همکاری بریتانیا با اروپا و ایالات متحده به طور قابل توجهی افزایش یافته است؛ که بخشی از آن به دلیل تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ است. ما هم‌چنین شاهد استقرار ناوگان تهاجمی جدید بریتانیا در سراسر جهان، با تمرکز ویژه بر منطقه آسیا-اقیانوسیه بوده‌ایم. این در شرایطی است که با توجه به وضعیت اروپا پس از جنگ و اهمیت آن، ناو هواپیمابر HMS Queen Elizabeth (R۰۸) بناست این هفته بندر را ترک کرده و این بار در دریای مدیترانه متمرکز شود (به دلیل نقص فنی در پروانه ناو، این اعزام لغو شد و ناو دیگری جایگزین شد)؛ این مسئله مشخص می‌کند که «بریتانیای جهانی» ممکن است آن طور که انتظار می‌رفت جهانی نباشد.

در حالی که تمرکز ناو بر اوکراین و تهاجم مستمر روسیه به این کشور است، تحولات در منطقه آسیا و اقیانوسیه شگفت‌انگیز است و این بایستی سبب نگرانی دولت بریتانیا شود. به عنوان مثال، در هفته گذشته شاهد بودیم که کره شمالی از اولین زیردریایی موشک بالستیک خود (از کلاس رومبو با بدنه شماره ۸۴۱) رونمایی کرد. هم‌چنین چین و فیلیپین به دلیل تلاش‌های گارد ساحلی چین برای مسدود کردن ترانزیت و ادعای قلمرو بیشتر در دریا، درگیر شدند. این موضوع سبب آشوب در میان همسایگان آن از جمله تایوان، مالزی و فیلیپین شد. دریای چین جنوبی و آب‌های اطراف آن به سرعت در حال تبدیل شدن به نقطه اشتعال بالقوه با اقدامات نظامی‌گرایانه و توسعه‌طلبانه چین هستند که نه تنها برای کشورهای اطراف آن، بلکه برای تجارت جهانی و امنیت متحدان کلیدی بریتانیا مانند استرالیا، نیوزیلند و ژاپن نیز تهدید به حساب می‌آید.

بخشی از پیشنهادهای اولیه برای بریتانیای جهانی شامل یک «محور» به سمت منطقه آسیا-اقیانوسیه بود. این محور از طریق برنامه‌هایی شامل استقرار یک جفت کشتی‌های گشتی فراساحلی (HMS Tamar (P۲۳۳ و HMS Spey (P۲۳۴) در منطقه و افزایش حضور دائمی در آینده از طریق استقرار ناوچه در پایگاه‌های اقیانوس هند، استرالیا یا سنگاپور محقق می‌شود.

به نظر می‌رسد تعهدات قاطعانه نسبت به جت‌های سریع‌السير F-۳۵B موسوم به Lightning II وجود ندارد. ۴۸ جت فعلی در ابتدا بنا بود به ۱۳۸ جت افزایش پیدا کند، اما آخرین برنامه‌ها نشان

می‌دهد که این تعداد به ۷۴ فروند کاهش پیدا کرده است. اما هنوز سفارش بیشتری ثبت نشده است و انتظار نمی‌رود که مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های پروژه GCAP (برنامه جهانی نبرد هوایی) این تعداد تا سال ۲۰۳۰ پرواز کند.

تنها حرکت مثبت به سمت آسیا و اقیانوسیه اعلام برنامه AUKUS بین ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا بود. جزء کلیدی این طرح، کلاس پیشنهادهای زیردریایی‌های تهاجمی با موتور هسته‌ای موسوم به SSN-AUKUS بود که قرار است برای بریتانیا و استرالیا با کمک ایالات متحده ساخته شود.

اگرچه جزئیات تا حد زیادی تایید نشده است، اما پیشنهادهای مبنی بر افزایش ناوگان SSN بریتانیا از کلاس ۷-کشتی Astute به تعداد ۱۰ یا بیشتر با طراحی جدید، پس از سال ۲۰۳۵، وجود دارد. انتظار می‌رود که بخش کوچکی از این ناوگان زیردریایی جدید بتوانند سمت استرالیا مستقر شوند تا در کنار قایق‌های SSN-AUKUS که متعلق به خود استرالیا هستند، کار کنند (انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ تا ۸ زیردریایی ساخته شود).

حضور یک ناو و زیردریایی در منطقه گام بزرگی به سمت اهداف جهانی بریتانیا خواهد بود که در سال ۲۰۱۸ اعلام شد، اما بعید است این طرح تا اواخر دهه ۲۰۳۰ محقق شود و همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، رفتار تهاجمی فزاینده چین و تولید نظامی باورنکردنی آن ممکن است تحقق چنین هدفی را بسیار به تعویق بیندازد.

کارخانه‌های کشتی‌سازی نیروی دریایی چین به تنهایی هر سال تعداد شگفت‌انگیزی کشتی‌های جنگی جدید تولید می‌کنند. تخمین زده می‌شود که در حال حاضر این کشور ۲۰ برابر ظرفیت کشتی‌سازی ایالات متحده را در اختیار دارد. برآورد ایالات متحده نشان می‌دهد که چین تا سال ۲۰۳۵ دارای ۴۷۵ کشتی جنگی خواهد بود. این عدد شامل گارد ساحلی یا گروه‌های شبه نظامی که چین در ماه‌های اخیر برای آزار و اذیت کشتی‌های جنگی کشور همسایه استفاده کرده است، نمی‌شود. تا سال ۲۰۴۰، گمان می‌رود که چین ناوگانی شامل ۶ ناو هواپیمابر را اداره کند.

اگر بریتانیا بخواهد به نقش جهانی خود ادامه دهد و به مأموریت اصلی سال ۲۰۱۸ پایبند باشد، به حضور نظامی بسیار بزرگتری نیاز دارد. این مسئله به ویژه با وجود تغییرات مداوم موضع سیاسی ایالات متحده، جاه‌طلبی‌های هسته‌ای کره

شمالی و ناپایداری وضعیت آینده در میان تایوان، کره جنوبی، ژاپن و دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی در مقابل ادعاهای سرزمینی چین، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

یکی دیگر از عوامل کلیدی در دسترسی جهانی بریتانیا، نیروی هوایی خواهد بود. اخیراً یک کمیته پارلمانی از کاهش مستمر نیروی هوایی در بریتانیا انتقاد کرد و خاطرنشان کرد که از میان چهار قدرت بزرگ در اروپا، انگلیس دارای کوچکترین ناوگان جت سریع است. هم‌چنین از کار انداختن اخیر ناوگان J-۱۳ و کاهش اندازه ناوگان آینده YA-E Wedgetail هر دو زمینه‌های نگرانی هستند. اصلاحات به سرعت انجام خواهد شد و همانند نیروی دریایی، اصلاح مشکلات برای مقابله با تهدیدات جهانی دست کم تا اواسط یا اواخر دهه ۲۰۳۰ به دست نخواهد آمد؛ این در مقیاس جهانی زمان زیادی به شمار می‌آید.

جنگ در اوکراین نیز نشان داد که اوضاع از حیث کمیت چه قدر بحرانی است. با توجه به اینکه درگیری‌های اخیر بریتانیا در عراق، سوریه و افغانستان علیه گروه‌های تروریستی انجام شده است، درگیری نزدیک چیزی نیست که تجهیزات خود را در برابر آن آزمایش کرده باشد. از دست دادن اولین تانک جنگی اصلی چلنجر ۲ در اوکراین در برابر نیروهای روسی و برنامه‌های کاهش ناوگان بریتانیا باید زنگ خطر را در سراسر روایت‌ها به صدا درآورد. واقعیت این است که حتی با وجود متحدان، اگر تمامی نیروی نظامی بریتانیا فردا شروع به درگیری با دشمنی مانند روسیه یا چین -که در شرایط فعلی محتمل‌تر است- کند، منابع بریتانیا خیلی زودتر از برخی متحدان تمام می‌شود.

به نظر می‌رسد لهستان این درس را به وضوح از ماجرای اوکراین آموخته است؛ چرا که در هفته‌های اخیر با قراردادهای نظامی عظیم به دنبال مسلح کردن خود در برابر روسیه متجاوز در مرز است.

درست است که بریتانیا در حال حاضر متحدانی میان خود و دشمنان اصلی‌اش دارد -فلذا تنها نیست-، اما یک بریتانیای جهانی باید بتواند از منافع خود در همه جا و نه فقط در گوشه‌ای از اروپا دفاع کند. به نظر می‌رسد تنها افزایش عمده در هزینه‌های دفاعی و اولویت‌بندی قابلیت‌های کلیدی است که سبب می‌شود تا نیروهای مسلح بریتانیا بیشتر در ابهام فرو نروند.

به طور خلاصه به نظر می‌رسد بریتانیای جهانی کامکان راه درازی در پیش دارد.